

## سیاست «چماق و شلغم»

در صفحه چهارم

### آوارگان شهرهای جنگ زده و انحصار گران و «مدار گزاران»

بقیه در صفحه ششم

### زمان سر کوب کردن دشمن است

باید در همه جبهه‌ها به تهاجم پرداخت کار بدستان باید مسئولیت‌های خود را بشناسند و به انجام رسانند

هفتمین هفته جنگ را پشت سر میگذاریم، در حالیکه هنوز دشمن بر خاک ما ایستاده است. با وصف همه جانبازها و دلیرها که ارتش ما و مردمان نشان دادند هنوز بخشهایی از میهنمان در تصرف دشمن است.

همه وعده‌ها که بر تاراندن تجاوزگران داده شده تاکنون صورت قطعی نیافته و اینک بی گفتگو زمان آن است که دست به کارهای اساسی تر زنیم.

در سراسر مرزها میباید حالت تهاجمی به خود گرفت و در برابر دشمن جبهه‌های تازه گشود و ابتکار عمل را در نبرد میهنی بدست آورد.

نباید به انتظار آن نشست که دشمن حمله آورد و سپس به دفاع پرداخت. دفاع کافی است باید آماده حمله شد.

به گفتار ریاست جمهور، ما ساز و برگ جنگ به اندازه کافی آماده کرده‌ایم و مردمان هم، بارها و بارها برای هر فداکاری و از خود گذشتگی، آمادگی خود را اعلام داشتند. در هوا و دریا هم که غلبه ما بر دشمن از همان آغاز آشکار بوده است، پس دیگر هیچ موجبی برای باقی ماندن دشمن در خاک ما وجود ندارد.

اگر با داشتن برتری هوایی و دریائی، با داشتن ساز و برگ کافی، و با داشتن صدها هزار و بلکه میلیونها رزمنده آماده جانبازی باز هم نتوانیم در مدتی کوتاه و بسیار کوتاه، دشمن را از همه زمینهای میهن خود بتارانیم، بی گمان دشواری نهفته، در کار است که باید بیدارنگ آن را یافت و بر طرف کرد. اینک با فراهم آمدن همه شرایط پیروزی، مسئولیتی بزرگ بر شانه فرماندهان و سامان دهندگان جنگ قرار دارد. آنها باید با بهره‌گیری از این همه امکان که در اختیار دارند، برای سر کوب قطعی دشمن طرح شایسته‌ای فراهم آورند.

فرماندهی ما باید بیدارنگ روحیه تهاجم به خود بگیرد و دولت نیز باید همه نیازهای تهاجم را فراهم آورد. و همه اینها باید با سرعت بسیار صورت پذیرد. از زمینهای گوناگون رفتار دشمن چنین برمیآید که آنان در اندیشه راه انداختن جنگ فرسایشی و بلند مدت‌اند. پدید آمدن چنین وضعی برای ما بهیچ روی پذیرفتنی نیست. جنگ فرسایشی نه تنها برای اقتصاد ما و برای گسترش انقلاب ما بسیار ناگوار است بلکه با امکانات و تواناییهای ما نیز سازگار نیست.

ما برای درهم شکستن دشمن توانائیهای بسیار داریم. نیروی جنگی و نیروی معنوی ما با دشمن قابل مقایسه نیست. و بدر از کشیدن جنگ و فرسایشی شدن آن حکایت از ناروایی سامان جنگی ما میکند. انتظار همگان از سازمان دهندگان جنگ آن است که فرسایشی شدن جنگ را فرصت ندهند.

بقیه در صفحه دوم

## الله، اکبر... الله، اکبر

نوای یکتا پرستان ایرانزمین، صدای درهم آمیخته با رگبار مسلسل، آوای آتشین بی‌خاستگی، حماسه پیوند انقلابی ملت ایران و نوید پیروزی رزمندگان میهن در همه جبهه‌ها بقیه در صفحه دوم

### کابوس

در صفحه سوم

## «بودجه اضطراری»

دیگر باید در اعتبار علمی و فکری کار بدستان تردید کرد!



کوه‌زاییید!

## گروه‌گرایی در آموزش و پرورش

سیر طبیعی خود را می‌گذرانند، بی گمان تا امروز که نزدیک به دو سال از آن پیروزی درخشان گذشته، بایستی همه نهادها اجتماعی بگونه‌ی بنیانی دگرگون می‌شد و نابسامانیها پایان می‌یافت هیچ نشانی از بهبود یا تحول آسان که نیاز ملی بود مشاهده نمی‌شود!

آنچه تاکنون انجام گرفته حر در چارچوب معیارهای شخصی و برداشتهای قالبی و کمک به رواج بازار شوریده اتهام نبوده است.

کل نظام آموزش و پرورش بگونه میراث دست نخورده‌ی دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه باقی مانده است.

ادعاهای رنگارنگ دست اندر کاران در پیدائی یک سیستم همسان آموزشی در سراسر کشور، چنان میان تپهی بی‌پشتوانه بود که کمتر سالی اندیشی لحظه‌ای آنرا، باور کرد! گریش آموزشگرانی ناشیوه‌های خاص و بی‌توجه به میران کارایی، دانش و عشق آنها به کار پر مسئولیت آموزش به بقیه در صفحه دوم

آموزش از دیدگاه علمی و همه جانبه کمک به پیدایش انسانهایی است که قادر به نوآوری و سازندگی باشند نه تربیت بداندگانه که هرچه رادیکران نوشتند و یا عمل کردند تکرار نمایند. بدیگر سخن آموزش در روند منطقی خود نباید انسانهایی بامغزهای متفکر، انتقادی و سرکش تربیت کند.

نگاهی گذرا به برآیند کوشش نظام آموزشی کشور از سالها پیش تاکنون نمایانگر این واقعیت تلخ است که هیچگونه تغییر اساسی در وظیفه‌ی اجتماعی این سازمان پراهمیت ملی پدید نیامده است.

بی گمان درک نابسامانیها، کمبودها و نودهای نظام آموزش و پرورش بدون در نظر گرفتن یک دور نمای تاریخی امکان پذیر نیست. در گذشته آنچه به نام تحول و دگرگونی در کل جامعه پدید می‌آمد هدفی جز سود و سودا و آوازه‌گری و از آن راه در دل دوست! ره یافتن نداشت، تا افسوس در حال حاضر هم که آن نظام جهمی دنبال یکی از عظیم‌ترین انقلاب‌های جهان فرو ریخت و اگر رویدادهای اجتماعی

### فضای مدرسه پر از تفکر قشری و اسیر سانسور، تعصب و خشونت است

### گرامی باد، خاطر سردار نهضت ملی ایران دکتر حسین فاطمی

در صفحه هفتم

### باز داشت قطب‌زاده ضربهای بر اندیشه آزادی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اعتراض آمیز نشان داد. قطب‌زاده از یاران وفادار انقلاب اسلامی ملت ایران بوده و بقیه در صفحه دوم

در این لحظات حساس تاریخی که ملت از بندرسته مادر نبردنی ناخواسته بامزدوران نژاد گرای عراقی درگیر است و فرزندان دلیر میهن جان برکف در شهرهای مرزی با همه توان خویش به رود دررویی خونین با ارتش تجاوزگر پرداخته‌اند و در زمین، هوا و دریا حماسه می‌آفرینند و بانثار خون پاک خویش نهال استقلال و آزادی ایران زمین را آبیاری میکنند و در هنگامه جنگ، درسنگرها و در گوشه و کنار میهن چشم‌های نگران میلیونها زن و مرد ایرانی به سربازان رشید و از جان گذشته‌ای دوخته شده است که برغم بی کفایتی‌ها، پراکنده‌گی‌ها، توطئه‌ها و تحمل نابسامانی‌ها از هر وجب از خاک ایران مردانه دفاع میکنند و هر روز برگ زرین تازه‌ای از پایداری‌ها و افتخارات بر تاریخ کهن این مرزوبوم می‌افزایند. در پشت جبهه‌های نبرد و در دیگر شهرها خبرهایی جسته و گریخته بگوش میرسد که دل‌ها را ببرد می‌آورد و اشکها از دیدگان هر ایرانی سرازیر می‌سازد. در هفته‌هایی که گذشت ارتش متجاوز عراق با مقاومت دلیرانه جوانان جان برکف و



# الله اکبر...

ماه خونین محرم یاد آور بزرگترین قیامی است که برای عدالت در تاریخ بشر روی داده است، قیامی است که به رهبری سرور شهیدان حقیقت، حسین بن علی(ع) خون را بر شمشیر چیره گردانیده و شرف و آزادی را تا جهان برپاست، پاسداری کرده است.

ملت بزرگ ما که زندگی روحانی و عاطفی خود را باین قیام درخشان اسلامی پیوند داده است و قرن‌ها در یاد آوری بخون خفتگان کربلا، مقاومت و پایداری در برابر ستم را آموخته است، و به عشق حسین عزیز و یاران دلاورش که سلام خدا بر آنان باد، جان گدازی کرده و شبهای سیاه بیدادگری را در آرزوی رسیدن به خورشید دادگری، چراغان ساخته است، امسال نه بگونه دوسال پیش، فقط هلال محرم خونین میشود و نه بگونه سال گذشته، تنها، یادشیدانش را زنده میدارد. ملت بزرگ ما امسال به استقبال محرم شتافته است و همه جای میهن را کربلا کرده است.

محرم امسال محرم شهادت است، محرم خونین است که پس از چهارده قرن آموختگی به

مرحله عجل در می‌آید.

**محرم امسال، لبیک** بخواست امام بزرگواری است که از دل تاریخ خونین تشیع، همه شیفتگان خود و علاقمندان به عقیده و جهاد را، به آخرین نبرد فرا میخواند.

**محرم امسال، محرم خون** و کربلاست.

**محرم امسال محرم** بپاخاستگی علیه نظام یزیدیان است، محرمی است که شمشیر آخته شهیدان کربلا پیکر ظلم و تجاوز را فرو خواهد ریخت.

**محرم امسال با کمک** خدای محرم و بسپایمردی سربازان و جانبازان الهام یافته از هزار و چهار صد سال محرم، محرم پیروزی خواهد شد و سلسله یافتگان بر کربلا خونین در آتش شمشیر شهیدان راه پرافتخار حسین(ع)، مسیر نیستی و نکبت در پیش خواهند گرفت و کربلا شکوه حسینی خواهد یافت، شکوه پیروزی حسین، شکوه حسین همیشه پیروز، شکوه عدالت، شکوه محو امپریالیسم، شکوه نابودی سیطره ابر قدرت‌ها، آری شکوه استقرار نظام راستین جمهوری اسلامی.

# گروه گرائی در آموزش و پرورش

## آموزش و پرورش

پائین‌تر آوردن سطح آموزش و پرورش انجامید.

فضای مدرسه، بویژه در دومین سال پیروزی انقلاب پر از تفکر قشری و اسیر چنبر مقررات تعصب آمیز و خشن و بدور از مهر و لطفی که لازمی محیط‌های آموزشی است، گردیده

آموزشگران پر تجربه به حکم موقیعت ویژه‌ای که پدید آمده بود، برغم میل به ادامه‌ی خدمت و نفرت از بی ثمر ماندن، ناگزیر به خلوت امن پناه بردند و از گزند تیغ بی مهابای تهمت و افترا دورمانند.

استخدام آموزشگران جدید در چارچوب معیارهای به اصطلاح «مکتبی» بدون در نظر گرفتن شایستگی‌های لازم برای آموزش، مدرسه را به محیط نامانوس و عبوس سانسور بدل کرد.

علاوه بر بدبیرانی آنچنانی، حضور دائمی خانم یا آقای به نام «مربی تربیتی» بیش از پیش ناهنجاری وضع را استحکام بخشید.

در مدرسه از مستخدم گرفته تا بالاترین مقام اداری بیشترین مسئولیتشان نظاره‌ی افکار و اندیشه و کنش و واکنش دانش آموز شد.

علاوه بر این گروه، شماری از دانش آموزان نیز مأمور کنترل و گزارش چگونگی گذران ساعت‌های درس و رابیطه‌ی آموزشگران و دانش آموزان گردیدند.

امروز از محیط کلاس، صمیمیت و یکرنگی رخت بر بسته و بناگزیر هر کس می‌کوشد برای ادامه‌ی زندگی تحصیلی، از خود تصویری بجا گذارد که مورد پذیرش مأموران آشکار و نهان وزارت آموزش و پرورش است.

در چنین فضایی بناچار دانش آموز، جریان یکنواخت مقررات مدرسه و تغییرات غیررسمی در نظام هرمی را قبول می‌کند و برای بقا، آرام، آرام در استراتژی دغلبازی بصورت یک استاد در می‌آید.

و این فاجعه روز بروز گسترش می‌یابد تا سرانجام محیط چندش آوری از مجموعه‌ی زشتی‌هایی پدید آید که مردم ایران، روزی علیه آن قیام کردند و خواستار حاکمیت ضابطه‌ها و رابیطه‌هایی جز آن شدند.

راستی در اینستکه اگر دست اندرکاران وزارت آموزش و پرورش شایستگی کافی برای برقراری نظم دلخواه را ندارند، درست‌تر اینستکه بجای تلف کردن سرمایه‌های ملی و به بیراهه کشیدن استعدادهای نهفته‌ی جوانان و نوجوانان، کار را به کاردانان بسپارند، نه اینکه به سنت نظام واژگون شده‌ی پهلوی سانسور را حاکمیت بخشیده و مدرسه را به زندان بدل نمایند.

تربیت نادرست و غیراخلاقی نسلی که سر نوشت آید از ایران رابه عهده دارد، گناه نابخشودنی

# بازداشت قطب‌زاده

همواره در بکار بستن رهنمودهای امام تلاش نموده و از دیرباز در پیمودن راه آزادی ملت ایران به رهبری امام اهتمام کرده است.

قطب‌زاده هم پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و هم پس از آن، برای سر بلندی انقلاب و پیروزی مردم، آنچه در توان داشته است بکار برد، در وفاداری و صداقت قطب‌زاده نسبت به انقلاب اسلامی ملت ایران و رهبر آن هیچ جای تردید نیست. و بازداشت او موجب رنجیدگی و نگرانی مردم و گروه‌های بزرگی از یاران انقلاب است.

دلیلی که برای بازداشت قطب‌زاده اعلام کرده‌اند، تلخی محرم امسال نمایشگر نبرد تاریخی و آشتی ناپذیر مردم آزادخواه و استقلال طلب ما، علیه امپریالیسم آمریکا بود.

محرم امسال سر آغاز بزرگترین حرکتها در پهنه عدالت‌خواهی جهان خواهد بود. در محرم امسال، مردم ما با برخورداری از آموزشهای انقلابی سرور شهیدان عالم، با داشتن «عقیده» و «جهاد» در راه آن، طلیعه زندگی شرافتمندانه و انسانی را رویاروی خود میبینند.

محرم امسال دومین محرم در نظام جمهوری اسلامی ایران است، بارورترین همه ماهها، و همه زمانها، الهام‌بخشترین همه طلوعها و پویاترین همه جنبشها، تا به پایان رساندن همه ستمگرها و بیدادگرها و تحقق خواسته‌های حسین(ع) که گواه شهیدان تاریخ است.

خبر بازداشت را بسیار فزونی می‌بخشد. بازداشت قطب‌زاده به دنبال پخش یک برنامه بحث آزاد از شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. او در این گفتگو نقطه نظرها و برداشتهای خود را نسبت به برخی از دشواریهای جاری کشور عنوان کرد.

چنین بازداشتی به استناد چنان دلیلی، آشکارا نقض آزادیهای فردی و اجتماعی است. با این بازداشت دیگر چگونه میتوان از گفتگو و بحث آزاد سخن به میان آورد. اگر یاران راستین انقلاب و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران حق نداشته باشند برداشتها و نظرهای خود را نسبت به رویدادهای کشور ابراز کنند دیگر چنان میتوان از استقرار آزادی دم زد!

همه بیاد دارند که اصلی‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی ملت ایران، آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی بوده است. و اینک با به بند کشیدن یکی از یاران وفادار انقلاب اسلامی به بهانه‌ی اظهار نظر پیرامون مسائل مملکتی، بی‌گمان بر اندیشه آزادی‌خواه‌های ناگوار وارد آمده است.

بازداشت قطب‌زاده، نه همان که بر جلوه‌ی آزادی در میهن ما لطمه اساسی زده است، بلکه بر اعتبار و احترام انقلاب نیز خدشه وارد می‌آورد. این بازداشت، فقط میتواند دشمنان انقلاب اسلامی ما را شادمان سازد. اگر کار بدستان نتوانند، اظهار نظرهای یک رهرو وفادار انقلاب را تحمل کنند پس آزادی از دیدگاه آنها چه معنا و مفهومی دارد؟!

رشد، قوام و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران بستگی به آن دارد که نارسائی‌ها و اشتباهها با روشنی بیان شود و ریشه‌یابی گردد. و اگر جز این عمل گردد، هیچ آمیدی به از میان رفتن تنگناها نیست. اگر می‌خواهیم اندیشه انقلاب اسلامی را گسترش دهیم و عزت و بختی باید خود به گفته‌ها و شعارهای خویش وفادار بمانیم و بدیگر سخن در عمل نمونه‌ای از اندیشه‌های خویش باشیم. یکی از اصلی‌ترین شعارهای ما آزادی بوده و هست.

و با افسوس مردم ایران هر روز شاهد حصر بیشتر آزادی‌های فردی و اجتماعی هستند. یارانی که به اظهار نظر می‌پردازند و ناگواری‌های نظام اداری و اقتصادی را عنوان می‌کنند باید گرامی داشته شوند و باید به سخنان آنان توجه بسیار داشت زیرا که این سخنان هر چند تلخ می‌تواند در برطرف کردن دشواریها راهشگا باشد.

یکبار دیگر یاد آور می‌شویم که بازداشت قطب‌زاده با قانون اساسی و موازین اسلامی ناسازگار است و انتظار داریم بی‌درنگ به این ماجرای دردآور پایان داده شود و حرمت و عزت یاران انقلاب همواره محفوظ بماند.

### آگهی حصر وراثت

آقای ابوالحسن ستوده وکیل دادگستری بوکالت از آقای احمد عزیززاده فروری به شناسنامه شرح دادخواست کلاسه ۱۲۴۹۳/۵۱ این شعبه توضیح داده شادروان غلامحسین عزیززاده فروری به شناسنامه ۹۱۳ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۴ در گذشته وراثت حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- موکل احمد عزیززاده فروری به شناسنامه ۸۵ صادره از کرمان ۲- اصغر فروری به شناسنامه ۱۰۴ صادره از کرمان ۳- رضا فروری به شناسنامه ۱۲۵۵۱ صادره از کرمان ۴- محمود فروری به شناسنامه شماره ۵۴ صادره از کرمان ۵- جلیل فروری به شناسنامه شماره ۳۳۲ صادره از کرمان ۶- اسمعیل فروری به شناسنامه ۲۹۴ صادره از کرمان ۷- مهدی فروری به شناسنامه ۳۱۹۴۲ صادره از کرمان والا ۸- اکبر فروری به شناسنامه ۲۱۲ صادره از کرمان پسران متوفی ۹- زهرا فروری به شناسنامه شماره ۳۹۵۰۶ صادره از کرمان ۱۰- فرشته فروری به شناسنامه ۲۵۷ صادره از کرمان ۱۱- فاطمه فروری به شناسنامه ۱۲۹۹ صادره از کرمان دختران متوفی ۱۲- بی‌بی طلعت فروری

### آگهی حصر وراثت

خانم اما آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۳ شرح دادخواست کلاسه ۱۷۱۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان یوگینا آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۰۹ در تاریخ ۵۵/۹/۴ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه و ناز نیک آشوتوما آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۱ و مارچه نیک آساتوریانس آشاتوما به شناسنامه ۴۳۱۰ دختران و راز نیک آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۴ و ایکاس آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۲ پسران متوفی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

۳-۲ م- الف ۱۳۴۹۷  
دادرش شعبه اول دادگاه صلح تهران- احمدی

### آگهی حصر وراثت

خانم اما آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۳ شرح دادخواست کلاسه ۱۷۱۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان آشوت آساتوریانس به شناسنامه ۴۵۵۳۲ در تاریخ ۵۴/۷/۲۲ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه و ناز نیک آشوتوما آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۱ و مارچه نیک آساتوریانس آشاتوما به شناسنامه ۴۳۱۰ دختران و راز نیک آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۴ و ایکاس آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۱۲ پسران و یرکینا آساتوریانس به شناسنامه ۴۳۰۹ همسر

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

۳-۲ م- الف ۱۳۴۹۷  
دادرش شعبه اول دادگاه صلح تهران- احمدی

# زمان سرکوب کردن دشمن است

ما باید با سرعت و قدرت به بازسازی اقتصاد و فرهنگ خود بپردازیم و باید نمونه درخشانی از کارآمدی در اداره کشور به جهانیان عرضه داریم. همچنان که دلاوریهای ما، در جنگ شگفتی و تحسین مردم جهان را برانگیخت، باید کاردانی و توانایی ما نیز در سازندگی شگفتی آفرینی کند. و فرسایشی شدن جنگ با این خواسته ناسازگار است.

نیروی سازنده و آفریننده مردم ایران نباید تنها در گیر تاراندن مثنی مزدور باشد. سرکوب کردن حکومت نژاد گرای بعث عراق نباید موجب آن شود که توانائی‌های ملی ما، آرام آرام، تحلیل رود. و اگر چنین شود بی‌گمان سازمان دهندگان جنگ سزاوار ملامتها خواهند بود.

از سوی دیگر در پشت جبهه هم، مانند جبهه نبرد، باید تلاش و یگانگی مردم ما اوج گیرد. آن توانایی و کارایی که مردم ما در جبهه جنگ نشان میدهند، باید در پشت جبهه هم به جلوه درآید. باید همه کاربدستان در زمینه‌های کار و مسئولیت خود، چرخها را با سرعت به گردش درآورند. فرهنگ و اقتصاد ما نباید به لحاظ جنگ به سستی و کندی گراید.

راست است که جنگ تنگناها آفریده و بخشی از توانائی‌های ما را به خود مشغول داشته است، ولی هنوز نیروهای نهفته در میهن ما بسیار است. می‌باید همه این نیروها را تجهیز کرد و بکار گرفت. باید نیروهای انسانی ورزیده و کاردان و جوانان پرشور ما در پشت جبهه به سازندگی پردازند. بی‌یکاری و سرگشتگی، باید بی‌یکباره از میان برداشته شود. باید در جبهه و پشت جبهه، در مصاف دشمن و در کار بازسازی میهن حالت تهاجم به خود بگیریم.

میهن در خطر است و زمان در گذر و فرصتها بسیار اندک و حساس و کار بدستان، مسئول مستقیم تمامی نابسامانیها و بغرنجها.

باشد که مسئولیتهای سنگین خود را بشناسند و در انجام آن، ها از «من» و «ما» به ایران بیندیشند و به انقلاب که بی‌چون و چرا هر دو لحظه‌های سر نوشت سازی را میگذرانند.

# در بند کشیدن آزادی، تنها مهر هاش فقر اندیشه و اخلاق است



# کابوس «بودجه اضطراری»

روزنامه کیهان در شماره شنبه هفدهم آبانماه ۱۳۵۹ خود زیر عنوان «رئوس مهم بودجه اضطراری و بودجه سال ۱۳۶۰ اعلام شد» چنین آورده است «عباس قائم‌الصباحی معاون سازمان برنامه و بودجه طی مصاحبه‌ای با خبرنگار اقتصادی کیهان بودجه اضطراری را شرح داد و در مورد اوضاع اقتصادی کشور و چارچوب بودجه سال آینده (۱۳۶۰) توضیحاتی داد. وی در مورد دلایل نیاز به طرح بودجه اضطراری و علت تاخیر در تدوین آن گفت: همانطور که در مقدمه بودجه مصوبه سال ۵۹ نیز ذکر شد، سازمان برنامه و بودجه خود را موظف می‌دانست به تنظیم یک بودجه دیگری مبادرت نماید تا از لحاظ امکانات و منابع با شرایط واقعی ناشی از محاصره اقتصادی کشور منطبق باشد. این مطالعات از اوایل سال جاری شروع شد و گزارش مربوط در اول تیرماه توسط سازمان برنامه به شورای انقلاب تقدیم شد. ولی شورای انقلاب فرصت بررسی و تصویب بودجه اضطراری را به دست نیاورد و بعد نیز به دلیل مقدمات مربوط به دولت جدید مدتی موضوع مسکوت ماند. تا اینکه بعد از استقرار دولت جدید و به خصوص بعد از وقوع جنگ تحمیلی لازم بود که هرچه زودتر نسبت به تصویب و اجرای بودجه اضطراری اقدام شود و به همین اساس گزارش لازم از طرف سازمان برنامه و بودجه تقدیم دولت شد. بدنبال آن دولت نظرات و راهنمایی‌های خود را نسبت به گزارش به سازمان برنامه ابلاغ کردند و در حال حاضر ما مشغول تدوین لایحه بودجه اضطراری برای تقدیم به مجلس شورای ملی هستیم.»

عبارت‌های بالا در حقیقت بیان تاریخچه‌ای است از چگونگی سیر تدوین بودجه اضطراری و هیچ نشانی از «رئوس مهم بودجه اضطراری» در آن نیامده است. ولی آنچه مورد توجه مردم می‌باشد شناختن «بودجه اضطراری» و آگاه شدن برتر کتب رقم‌های درآمد و هزینه است. اینکه سازمان برنامه و بودجه در تهیه و تنظیم بودجه اضطراری تاخیر کرده یا شورای انقلاب «فرصت بررسی» آن را نیافته است از لحاظ مردم مسئله اساسی نیست. نکته مطرح شده از لحاظ گردانندگان نظام اداری کشور دارای اهمیت است تا با آگاه شدن بر چگونگی سیر تهیه و تنظیم بودجه، یا بودجه اضطراری، میزان کارائی هر کدام از سازمانهای اداری را دریابند و نارسائی هر سازمان را تشخیص دهند و در رفع آن بکوشند. برداشت مردم از آنچه مطرح شده است با برداشت دولتمردان و دست‌اندرکاران متفاوت دارد. مردم سازمان اداری کشور را در یک کل واحد می‌نگرند و از لحاظ ایشان نتیجه و حاصل کار اهمیت دارد. و بسا افسوس نتیجه حاصل کار هم این است که با وصف حاکم بودن شرایط اضطراری کشور هنوز از داشتن و اجرای بودجه‌ای متناسب با شرایط خود محروم است.

ما از همه دست‌اندرکاران می‌خواهیم که در راه تنظیم و اجرای یک بودجه متناسب با شرایط زمان بیشترین سعی خود را به عمل آورند، زیرا بودجه هر کشور ائینه تمام‌نمای حیات اقتصادی آن کشور است و اینک که ما درگیر جنگ تحمیلی شده‌ایم می‌باید همه نیروی خود را برای پیروزی در این جنگ بسیج کنیم، و اجرای این خواسته مستلزم آن است که بودجه‌های دقیق و عادلانه و همه‌جانبه تدوین و تصویب و اجراء شود.

این بودجه باید چنان تدوین گردد که همه کوششهای اقتصادی کشور را در بر بگیرد و برای پیروزی در این جنگ بسیج و توسعه اقتصاد کشور راهگشا باشد. چنین بودجه‌ای باید به آگاهی مردم برسد و باید نظر گروه‌های گوناگون مردم درباره‌ی آن خواسته شود. تنظیم بودجه کل کشور موضوعی نیست که در پرده بماند و از مردم پوشیده داشته شود. باید سرپای بودجه، و جزء به جزء آن را به مردم اطلاع دهند. بی‌خبر نگاه داشتن مردم از بودجه کشور هیچ موجهی نمی‌تواند داشته باشد. سازمانها و موسسه‌های اقتصادی می‌باید فعالیت‌های خود را با توجه به رقم‌های بودجه کل کشور و مقررات همراه آن معین دارند و اگر بودجه از این عده پنهان بماند سردرگمی و آشفتگی آنها را فرا می‌گیرد. بنابر این دست کم در همان هنگام که بودجه اضطراری کشور به شورای انقلاب تقدیم شده است می‌باید به آگاهی همگان هم می‌رسید. و نیز اکنون می‌باید به سرعت چارچوب و رقم‌های اصلی درآمد و هزینه اعلام شود. در مصاحبه معاون سازمان برنامه و بودجه نکته‌های نگرانی آور دیگری هم دیده می‌شود از جمله درباره کسری بودجه اضطراری و منابع تأمین آن اظهار داشته‌اند که «کسری بودجه در سنوات قبل و حتی در بودجه سال جاری نیز وجود داشته است با توجه به این مسئله لازم به تذکر است که در بودجه اضطراری علیرغم کاهش شدید درآمدهای نفتی هنوز قدر مطلق کسری بودجه ما از رقم کسری بودجه سال ۱۳۵۷ رژیم گذشته کمتر است و ما در مورد منابع تأمین کسری بودجه به شرح زیر پیش‌بینی کرده‌ایم: اولاً: استقراض از سیستم بانکی به نحوی که در بودجه مصوبه عادی سال جاری نیز پیش‌بینی شده بود.

ثانیاً: اتکاء به سیاست قرضه برای جمع‌آوری پولهای سرگردان که باعث کاهش فشارهای تورمی و جلوگیری از فعالیتهای غیرمولد و تورم‌زا نیز میشود و بالاخره استفاده از پولهای افراد جهت سرمایه‌گذاری‌های مولد در تحقق اهداف تولیدی و عمرانی جامعه. و سومین منبع تأمین مالی کسری بودجه که جای تأسف نیز دارد استفاده از پولهای برگشتی و هزینه نشده طرح‌های عمرانی سال قبیل است که نزد دستگاههای اجرائی باقیمانده بود و به خزانه عودت داده شده است. این منبع ضمن اینکه کمکی به کمبود درآمدهای سال جاری می‌کند ولی وجودش موجب نهایت تأسف است که حکایت از عدم پیشرفت طرح‌های عمرانی در دستگاههای اجرائی است.

و باز باعث تأسف بیشتر اینکه عملکرد هفت ماهه سال جاری طرح‌های عمرانی نیز از برنامه منظور شده در بودجه مصوبه

متزلزل و ناروشن تکیه داده شود. «پولهای افراد» می‌باید به صورت مالیات به خزانه دولت سرازیر گردد و آنگاه از خزانه دولت در راه اجرای «هدفهای تولیدی و عمرانی جامعه» به مصرف برسد و سپس می‌باید با محاسبه‌های دقیق اقتصادی و مالی، میزان درآمدهای دولت شناخته و تعیین شود و چگونگی هدفهای تولیدی و عمرانی نیز مشخص شود و براساس یک برنامه‌ریزی دقیق و شایسته تنظیم و تصویب و اجرا گردد.

برنامه‌های تولیدی و عمرانی کشور را نباید به «پولهای افراد» متکی نمود. همچنانکه گفتیم پولهای افراد از راه‌های مالیات بردارند و یا مالیات بر ثروت باید جذب خزانه کشور شود و در اینصورت دیگر «پولهای افراد» نیست.

از مجموع گفته‌های معاون سازمان برنامه و بودجه چنین برمی‌آید این بودجه از لحاظ منابع درآمد، به شدت در تنگناست و برای بیرون آمدن از این تنگنا تنها راه مشخصی که در نظر گرفته شده مبادرت به قرضه، و یا مبادرت به نشر اسکناس است.

این شیوه اداره اقتصاد

بسیار پائین‌تر است و این خود با تأکید بر تأسف، از عدم تعادل هزینه‌ها و درآمدها جلوگیری کرده است.

گفتارهای معاون سازمان برنامه از چند جهت جای تأمل و نگرانی است.

نخست آنکه کسری بودجه سال جاری را بطور کلی می‌خواهند با دریافت وام تأمین کنند. و دریافت وام را هم در شمار کسر بودجه به حساب نمی‌آورند.

عبارت «استقراض از سیستم بانکی» که به عنوان اولین منبع تأمین مالی یاد شده است دقیقاً به معنای کسر بودجه است. ولی ایشان با افزودن عبارت «به نحوی که در بودجه مصوبه سال جاری نیز پیش‌بینی شده بود» خواسته‌اند از تلخی این راه حل بکاهند. ولی این کسپولی که برای خوراندن این داروی تلخ تهیه دیده‌اند به هیچ روی نمی‌تواند تلخی راه حل را از اندیشه‌ها بزداید.

«استقراض از سیستم بانکی» در حال نشانه سالم و متعادل بودن بودجه نیست. و کسری بودجه را باید بیش از این رقم به حساب آورد هررقم استقراض را باید به حساب کسر بودجه منظور نمود استقراض عنوان درآمد ندارد. معنای استقراض از سیستم بانکی آن است که برحجم وسایل پرداخت افزوده کالائی به بازار وارد شده باشد و از اینراه بی‌گفتگو هرگونه تدبیری از این دست موجب افزایش بی‌رویه قیمتها خواهد شد.

اگر یکی از هدفهای بودجه اضطراری جلوگیری از «فشارهای تورمی» است چنانکه معاون سازمان برنامه و بودجه نیز به آن اشاره کرده است تأمین هزینه‌ها از محل استقراض باین هدف مغایرت کامل دارد معنای دیگر «استقراض از سیستم بانکی» آن است که در حال حاضر حکومت به حساب آیندگان خرج می‌کند. و اینکه در بودجه سال جاری هم «استقراض از سیستم بانکی» پیش‌بینی شده است به هیچ‌روی از استواری ایراد وارد نمی‌کاهد در همان هنگام تصویب و اعلام بودجه سال جاری هم مانسبت به این شیوه کار اعلام خطر کردیم و خواستیم در استفاده از این سیستم تا آنجا که میسر است خودداری کنند اینک هم این خواسته خود را تکرار می‌کنیم و می‌خواهیم که کسر بودجه را با «استقراض از سیستم بانکی» چاره نکنند.

آقای معاون سازمان برنامه و بودجه به چشم می‌خورد و آن استفاده از واژه «به نحوی» است که در مورد استقراض از سیستم بانکی بکار برده‌اند. آیا منظور از این واژه آن است که به همان میزان بیان شده در بودجه سال جاری از سیستم بانکی استقراض به عمل می‌آید و آنکه واژه «به نحوی» اشاره به چگونگی عمل است و ممکن است میزان استقراض از اندازه پیش‌بینی شده قبلی هم تجاوز کند. که اگر چنین باشد باید در انتظار تلاطم‌های تند اقتصادی

## آوارگان

تاسیسات نظامی و اقتصادی عراق ضرب شستی نشان دادند که در تاریخ حیات نظامی ملت‌ها با خط زین نوشته خواهد شد.

متجاوزان عراقی باتوب موشک و بمب به خانه‌های مسکونی و مردم غیرنظامی، مدرسه‌ها و بیمارستانها یورش آورده و فاجعه آفریدند.

در این رهگذر با بالا گرفتن فشار نظامی ارتش عراق، زندگی برای کُردکان و زنان و سالخورده‌گان در شهرهای جنگ زده وزیر باران آتش دشمن نه تنها دشوار و غیرممکن بلکه وجود این گروه از هموطنان برای مدافعان شهرها و رزمندگان دست و پاگیر شده بود.

خانواده‌ها در صدد انتقال زن و فرزندان به پشت جبهه و شهرهای دور و نزدیک برآمدند. با افسوس فراوان در خیرها آمده است که بعضی از رانندگان و صاحبان وسیله‌های حمل‌ونقل عمومی در این هنگامه تلخ به دریافت کرایه‌های سنگین و غیرقابل تصور دست زدند!

تا اینجا همه این نابسامانی‌ها تا حدودی قابل تحمل به نظر می‌رسد اما بر خوردهای توهین آمیز عده‌ای ناآگاه خود کامه و انحصارگر در بعضی از شهرستانها با مردمی که همه چیز خود را از دست داده و چه بسا قربانی ندانم کاری همین گروه «مدار گزار» می‌باشند دردناک و غیر قابل تحمل است و سروصدای آن به مجلس شورا نیز کشید و در جلسه روز چهارشنبه ۱۴ آبانماه نماینده مردم خرمشهر به عنوان اعتراض به سخنان صلواتی نماینده اصفهان که با گفتار خویش میخواست این مسئله را بگونه‌ای رفع و رجوع نماید جلسه را ترک کرد و در همین روز از زبان اسام در دیداری با

بقیه از صفحه سوم

گویندگان و خطیبان مذهبی می‌شنویم که: دولت باید اینها را با یک ترتیبی مرتبی منظمی، محترمانه برای اینها جا تعیین کند. اینها آواره شده‌اند. هم‌اکنون جمعیت آوارگان که در شهرهای کرمانشاه، اسلام آباد شهرهای استان لرستان و همدان و شهرهای شیراز، گچساران، بهبهان، ماهشهر، سربندر و شادگان بگونه‌ی رقبت هزار تن می‌زند.

این گروه پس از ترک اجباری شهر و دیار خود و رها کردن خانه و کاشانه خویش با بفرنج‌ها و نابسامانی‌های فراوان روبرو شده‌اند، از سوی مشتی مردم ناآگاه و به تحریک فرمانداران و استانداران انحصارگر مورد بی‌مهری و حتی خشونت و رفتارهای زشت و خلاف اخلاق قرار گرفته‌اند گویا اینان از یاد میهمان نوازی از نخستین ویژگی‌های پسندیده و دلپذیر شناخته شده و با آوارگان که تلخکامی و ناروائی بسیار دیده‌اند آنچه روا نیست تندخویی و زشتکاری است.

بی‌گمان، شمار اندکی از مردم قریب می‌خورند و تسلیم تحریک‌های انحصارگران و «مدار گزاران» می‌شوند و از فروش خوراکی و دادن سر پناه و التیام دردهای آنان سرباز می‌زنند و در برابر، انبوه بی‌شماری از جان و دل قدم‌های این آوارگان جنگ تحمیلی را بر چشم می‌نهند.

ولی راستی در اینستکه مسئولیت مستقیم این نابسامانی‌ها متوجه کسانی است که بر کرسی‌های اجرائی تکیه زده‌اند و روند کار نشان میدهد که بر سر آنند تا همه‌ی مشکلات را فقط با حرف و آوازه گری پایان دهند.







# اسلام انقلابی ، نیروبخش جنگ‌میهنی

## نظم و تخصص را با ایمان و دلیری پیوند دهیم

از روزی که نخستین یورش وحشیانه مزدوران بعثی عراق به سرزمین ما آغاز شد، پیرامون چونی و چندی آن سخنهای بسیار میان آمد. برخی این حمله را بطور مستقیم بدستور و فرماندهی امپریالیسم امریکایی بدستباری صهیونیستها دانستند، گروهی از تفسیر کنندگان سیاسی، جنگ تحمیلی عراق را در نوعی توافق ابرقدرتها در سر کوبی انقلاب اسلامی ملت ایران شناخته، دسته‌های دیگر چنین بیان کردند که دولت صدام حسین با استفاده از موقعیت جهانی فراهم شده برای ایران در خط انزوای سیاسی و سودجوئی از «سیطرفی» امپریالیستها و گمان‌های نادرست درباره ایران و آشفتگی اوضاع سیاسی چند دستگی مردم و کم‌مایگی و ناهماهنگی ارتش، بخود اجازه داده است تا بکشور ما بتازد.

با اینکه تحلیل سوم به واقعیت نزدیک‌تر است اما اندر یافته‌های تفسیر کنندگان دو دسته پیش را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت.

رویدادهای سیاسی و جنگی نشان میدهد که دولت بعثی عراق با داشتن روحیه تجاوزگرانه و آرمان ارتجاعی پیوند یافته با استعمار، از آغاز نهضت رهائی بخش، در دوران انقلاب اسلامی ملت ایران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی همه گاه با ایران و مردم آن ورهبری انقلاب سرستیز داشته است و سرانجام آنچه پیش‌بینی میشد، به حقیقت پیوست و میهن ما پهنه نبرد گردید که کمابیش مردم آن در انتظارش بوده‌اند.

این تجاوز آشکار برای نابود کردن اسلام بمعنای سنتی آن که قرن‌ها روح ج داشت، نبود، یعنی عراق ورژیم تکریتی مخالف با نماز و روزه و آموزشهای ما درباره «شکایات و سهویات» نیست. امروز در دنیا هیچ قدرتی با «اعمال مذهبی» «هیچ ملتی» مخالفت ندارد، ابرقدرتها هم با «عبادات» ملت مسلمان ایران در کشمکش و تضاد نیستند. آنچه عراق را بر آن داشته است که به ایران حمله کند جنبه‌های سیاسی اسلام و عدالتخواهی آن است که ملت ما در انتظار تبلور آن در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در برابر عدالت و عدالتخواهی هرستمگر و ستم پیشه‌ای چه بزرگ و چه کوچک نمی‌تواند بی تفاوت باقی بماند و روشن است در هر موقعیت و بهر صورت وبا هر وسیله برای نابودی و مخدوش کردن آن اقدام خواهد کرد این حرکتی است که از نظام ستمگر عراق سرزده و نظامهای ستم پیشه دیگر در منطقه چون اردن و عربستان سعودی و مصر و پاکستان و... صرفنظر از وابستگی‌هایشان به امپریالیسم، برای پاسداری خود و نظام ستمگرانه خود بهم گرویده‌اند و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران وحدت نظر یافته‌اند، نظام‌های ستمگستر جهانی نیز چه خود آتش بسیار معرکه بشمار آیند و چه به دنباله روی دست نشاندهگان خود بصحنه کشیده شده باشند، در عمل یا از بندر عقبه سلاحهای آتشین بدشمن می‌رسانند یا به عقد قراردادهای خرید اسلحه و هواپیماهای جنگی از جمله میزبان دست می‌بازند.

و یا شیوه‌های دشمنی و جنگ افروزی را از «یئنگی دنیا» تاخاورمیانه بنمایش گذارند.

کوتاه سخن جهان ستم و ستم پیشگی و ستمگری، در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران بسیج شده است. این نظام نوپا که بیان میکند، بساط بیدادگری و ظلم باید از پهنه گیتی محو گردد، در فضا نیز بوجود نیامده است و متعلق به «کره‌های آسمانی» دیگر هم نیست. نهضتی است که از زمین برخاسته، و ریشه در خاک مردمی دارد که خود را «ایرانی» میدانند.

بزبان دیگر این نظام دادگستر اسلامی به دنبال انقلاب خونین مردمی بوجود آمد که دارای سرزمینی هستند به نام ایران. این سرزمین را میهن خود، دیار خود و خانه و کاشانه خود میدانند و در «ایرانی» خودداری فرهنگی درخشان و گذشته‌های تابناک و آینده‌های پر امید هستند و در حال خود، جوشنده و خروشنده.

این مردم با «اسلامیت» پیوند ناگسستنی دارند و هیچ نیروئی در هیچ زمان نمی‌تواند نه «ایرانی» را از آنان بار گیرد و نه «اسلامیت» را از قلبهای پرایمان و حرکتهای فرهنگ ساخته آنان دور سازد.

با این ویژگی‌ها ملت ایران با مزدوران حزب نژاد پرست بعث عراق آماده نبرد گردید.

جنگ‌های امروزه جهان با جنگها و پیکارهای گذشته تفاوت زیاد دارند. کشوری که در موضع دفاع قرار گرفته و میخواهد از استقلال و تمامیت ارضی خود پاسداری کند، باید:

الف- پیکارگران آن بدانند برای چه می‌جنگند. آرمان و خواست آنها در این نبرد چیست و مردمی که به سپاه رزمندگان می‌پیوندند یا در پشت جبهه به آنان یاری می‌رسانند برآستی بدانند چه میکنند و در چه حال و موضعی قرار دارند. (رسانه‌های گروهی بویژه رادیو تلویزیون متعلق به دولت، صادقانه در خدمت پیکارگران قرار گیرند).

ب- نظام نبرد از چند گانگی و پراکندگی بدور بوده و رزمندگان از وحدت فرماندهی برخوردار باشند و فقط یک فرمانده دستور بدهد (فرمانده کل قوا عهده‌دار اداره جنگ تا رسیدن به پیروزی نهایی باشد).

پ- پیکارگران در زمان کنونی علاوه بر ایمان و دلیری از تخصص و کارشناسی باید برخوردار باشند. سلاحهای امروزی (بمب و موشک، فانتوم و میگ، خمسه‌خمسه و...) شمشیر و سپر و گرز و نیزه نیستند، باید آنها را شناخت و راه درست بکار بردن آنرا دانست و این امر در گور - دانش و کارآموزدگی است. باید از دانش آموختگان و کارآموزگان سود جست و کسانی را که دانش نظامی ندارند و در پیکارهای نظامی کبار آموذگی پیدا نکرده‌اند از دخالت در کارها دور داشت و به آنان با صمیمیت فراوان آموخت که اگر ایمان‌مردانگی دارند در پشت جبهه، در جای مناسب زیر نظر فرماندهی واحد انجام وظیفه نمایند (= با بکار بردن تکنولوژی نظامی و نیروی انسانی متناسب زیر نظر فرمانده کل قوا باید بسیج همگانی عملی گردد).

ت- میدان جنگ در زمان کنونی، گستره‌ی جهانی یافته است. باید داده‌های درست جنگی که سود ملت ما را در بر دارد به آگاهی جهانیان برسد و دشمن در نبردهای روانی تضعیف و ناتوان گردد. این شیوه نبرد باید با کوششهای سیاسی پیوند پیدا کند و علاوه بر وجدان جهانی ملتها، کارگزاران بین‌المللی و دولت‌های مختلف رانیز در موضع ضد دشمن قرار دهد (جنگ باید هم در میدانهای خونین و هم با آوازه‌گیری و دیپلماسی ما را به پیروزی رساند و در این سه جبهه نیز باید وحدت حاکم باشد و این امر ممکن نیست مگر اینکه فرمانده کل قوا بر تمامی امور سه‌گانه نظارت داشته باشد).

از آغاز جنگ بسیار کسان از گردانندگان حکومت بجای علت‌یابی درست رویداد و شناخت عاملهای اجتماعی مقاومت و موضعگیری درست در واپس زدن دست‌اندازه‌های نژادگرایان برانگیخته شده امپریالیسم، به حرکتهای تفرقه‌گرایانه و انحصار طلبانه پرداختند و کوشش کردند با اتهام‌های بی‌پایه و مایه‌تلاشهای سیاسی یکدیگر را دگرگونه جلوه دهند و با شکایت‌گزاری و ناله سردادن و کم و زیاد کردن گزارشهای جنگی، وجدان مردم بباخاسته‌ای را که از خون مایه می‌روند، آشفته سازند.

این حرکت ضداسلامی و بدور از اخلاق و جوانمردی، با اندازه‌های چشمگیر است که گاه بینندگان بی‌نظر، آنان که هم به گزارشها و تفسیرهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران گوش فرا داده‌اند و هم کمابیش با دست‌اندر کاران سه قوه آشنائی دارند، گمان می‌برند که جبهه اصلی جنگ در تهران است و سنگرهای ستیزه و شلیک،

جلسه‌های شبانه‌ای است که گاه بتاریکی کشیده میشود و پیوندهای «الفت» که باید «قلبهای مؤمنان» را با یکدیگر یگانه سازد، با کمال تاخوشایندی سیم‌های «تلفن»‌های سرتاسری است که چندگانگی و چندگونگی را فرمان میدهد، آنهم در زمانی که تنها وحدت و یگانگی کارساز میتواند باشد و بس!!

برای مردم مبارز ایران آشکار نیست که جانبازان ایرانزمین، با نظام بعثی وابسته به امپریالیستهای جهانخوار می‌جنگند یا کار بدستان حکومت در درون نظام مستقل جمهوری اسلامی به تسویه حسابهای شخصی می‌پردازند.

این حرکت نامردمی باندازه‌های چشمگیر شده است که همان بینندگان بی‌نظر گمان می‌برند، بیش از صدام حسین و دارو دست‌هاش، گسروه‌های غرضورز ساکن تهران به انتظار شکست نظامی ایران دقیقه شماری میکنند.

خدا نکند، آنان با خشک سری و تنگ‌نظری خود چنین تصور نمایند که بدنبال پیروزی ارتش مزدور عراق (بفرض محال) خطه‌ای از ایران برایشان باقی خواهد ماند تا در آنجا حکومت «مکتبی» خود را بی هیچگونه مانعی ادامه دهند!

«خدایبینی» پیشکششان باد، اما خدا نکند تا این پایه «خودبینی» باشند.

خدا کند از «واقع‌بینی» بدور نیفتاده باشند.

آنانکه اسیر خیره سری و کند ذهنی نیستند، آنانکه بنابر توحید نهاده‌اند و نه تفرقه، آنانکه خدای ناگرده در پیوند با کانونهای برون مرزی، قصد نابود کردن انقلاب درخشان اسلامی ملت ایران را ندارند، با اندک شناخت و اندک صداقت درمی‌یابند که «اسلامیت» هستی توان‌بخش و حرکت آفرین زندگی ایران است و «ایرانیّت» هویت بارز و پر خروشی است که در تمدن درخشان اسلامی پویائی تاریخی یافته است و این هر دو، یگانه هستند و نه بیگانه، وحدت دارند و نه کثرت.

بدیگر سخن سرباز فداکاری که در جبهه جنگ، برای میهن خود جان میدهد و به عشق ایران به استقبال گلوله دشمن میرود، در قلبش از میهن، جز مردم و اسلام و خاستگاه انقلابش چیزی ندارد و آن پاسدار دلیری که به نام اسلام به شهادتگاه میرود، در همان حال، که معراج مردان عشق است، جز بمردهش که مسلمان هستند و سرزمین مردمش که میهن آنها است و خاستگاه بزرگترین انقلاب اسلامی و جهانگسترش که ایران است به چیز دیگری نمی‌اندیشد. جز اینست که هر دو از یک آب و خاک هستند؟ هر دو در یک فرهنگ پرورش یافته‌اند؟ و هر دو بسوی خدای می‌روند؟ پس چه شده است که این یگانگی را به جدائی می‌کشند؟ جز انحصارگری دودسته بازی؟!

امام خمینی روز جمعه در ملاقات با زائران پاکستانی در حمله به ابرقدرتها و فتنه انگیزیهای آنان، هشدار دادند که:

«آنها به ایران فقط نظر ندارند، آنها به همه بلاد مسلمین..... نظر دارند» روزنامه‌ای که خود رامدافع سلام و «مکتب» و نظام جمهوری اسلامی می‌داند روز شنبه در صفحه اول خود، حرف درست و دقیق رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران را تحریف کرده و عنوان داده است:

«در حمله به ایران اسلام مطرح است نه یک کشور»!

کلمه «فقط» که امام خمینی بادرایت وهشیاری تمام در گفتار خود بکار برده‌اند از این عنوان و مفهوم دور مانده است و گوئی برای صدام حسین و حزب بعث، تصرف خوزستان و تسلط برزرز چشمه‌های کشور و اشغال ایران به عنوان سرزمین مسلمان نشین مطرح نیست، درحالیکه اگر نیست خیر در کاربرد و کلمه «فقط» در جای خود باقی می‌ماند

وسخن بحق امام خمینی دگرگونه نمی‌شد، مفهومی بدست آمده چنین بود، ابرقدرتها نه تنها می‌خواهند ایران را که میهن ماست نابود سازند، بلکه با از میان بردن نظام جمهوری اسلامی ایران قصد شوم آنها از میان برداشتن اسلام و دست یابی بر همه کشورهای اسلامی و بزنجیر کشیدن همه مسلمانان جهان است.

این معنا چه منافاتی با اسلام دارد که «مکتبی‌ها» بخود اجازه میدهند حتی سخن، رهبر انقلاب و مرجعیت عام اسلامی را تصحیح نمایند! اینها ودهها و صدها درد از اینگونه است که ایمان را در جامعه نابود میکند، فضیلت رامی‌سوزاند و صداقت را دچار تزلزل می‌نماید

ای شمایان که در تهران و دیگر مرکزهای تصمیم‌گیری نشسته‌اید، بگذارید ملت دارای آرمان‌ها باشد،

بگذارید ارتش آرمانخواه گردد، بگذارید ارتش و مردم با آرمانی روشن و مبتنی بر دانش و آگاهی، نبرد تاریخی خود را ادامه دهند.

ای شمایان که با مسئولیت و بی‌مسئولیت قلم بر کاغذ می‌نهدید و هر چه دلتان میخواهد بدون توجه به فرجام آن می‌نویسید،

ای کسانی که نوشتارها را می‌خوانید، ای سخنگویان، ای سخن‌پردازان، آنان که می‌جنگند، مسلمان هستند و میهن خود را نیز دوست دارند.

آن نوجوان دوازده ساله که نارنجک به کمر می‌بندد و حماسه می‌آفریند، میهنش را دوست دارد، آن پیرمردی که بدنبال موشک‌اندازیهای وحشیانه ارتش عراق زنده از خرابیهای دزفول بیرون می‌آید، مسلمان است و ایرانی است. هم او بود که نخست خدایتعالی را سپاس گفت و آنگاه بیان کرد:

«آقای رئیس جمهور، کاش منم مرده بودم و شما مرا در کیسه میگذاشتید و سنگر میکردید و در پشت آن از ایران دفاع میکردید».

آن شیرزنی که فرزند خویش را به جبهه جنگ میفرستد و میخواهد تا نور دیده‌اش در صف مقدم جبهه قرار گیرد، میهنش را دوست دارد.

ای شمایان که خود را «مکتبی» میدانید در کجای مکتب مقدس اسلام آمده‌است، میهن خود را دوست نداشته باشید؟! چرا از مردمی که در بنانگ لااله الا الله و فریادهای شورانگیز اللاکبیر، ترانه‌های دلنواز خانها و کاشانه‌های خود را میخوانند، وحشت دارید؟

کجای سرود «ای ایران» با اسلام مخالف است و کجای میهن دوستی، اسلام‌گرایی و مهرورزی به مسلمانان جهان را انکار کرده است.

بیائید یگانه شویم، همان سال که در دوره انقلاب یگانه بودیم.

بیائید کارها را به کاردانان بسپاریم و در جنگ نظم و تخصص را با ایمان و دلیری پیوند دهیم.

بیائید درست بگوئیم و حقیقت را فدای منافع گروهی نکنیم، از انحصارگری پرهیز نمائیم و ستمدیدگان جهان را که بظواهر بر تمام حرکتهای ما هستند، از خود ناامید نسازیم.

ما در حال جنگ هستیم و در جنگ فرماندهی حاکم است، در خط فرماندهی واحد و با حمایت آنان که هستی خود را در پیروزی این نبرد نهاده‌اند، دشمن عدا را نابود کنیم و به استقلال و تمامیت ارضی میهن خود قوام بیشتری دهیم و انقلاب اسلامی خود را شکوهمندتر سازیم.

# درود بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهنی



ارگان حزب ملت ایران

# سیاست.....

وقات هم تانک و توپ اشعه‌های مرگبار ارمغان می‌سازد یا می‌فروشد. و همه اینها جلوه‌هایی از پدیده‌ای است که به نام امپریالیسم آمریکا شناخته شده است.

اینک مردم جهان بر راز و رمز تلاشهای امپریالیسم آمریکا آگاه شده‌اند و می‌کوشند فرهنگ خود را از دستبرد آن بدور دارند.

مردم جهان دیگر نمی‌خواهند دست بسته به مسلخ امپریالیسم آمریکا فرستاده شوند. آنچه در جهان ملتها می‌گذرد با آنچه در ذهن فرمانروایان آمریکا می‌گذرد، تفاوت بسیار دارد، در جهان ملتها اندیشه بارور ساختن اقتصاد ملی، و نظم بخشیدن به قاعده مصرف در تناسب با تولید ملی و گرمای داشتن ارزشهای اخلاقی و استوار نمودن رابطه انسانها در قالب نظامی اخلاقی و عادلانه است. اجرای این هدفها با روح تهاجم امپریالیسم آمریکا ناسازگار است. و آمریکا از درگیری با این برداشتها ناچار می‌آید.

گسیل داشتن ناوگان جنگی به آبهای خلیج فارس و دریای هند و ایجاد پایگاه در سومالی و عمان ناشی از این درگیری آمریکا است. و در این درگیری کارتر و ریگان تفاوتی ندارند. هردوی آنها، و صدها و هزارها دولتمرد دیگر آمریکائی ناچار از پیمودن این راه هستند. هیچکدام از آنها توانائی آن را ندارند که او را از پیمودن این راه بازدارند. اینان در گردونه‌ای نشسته‌اند که مسیری مشخص را می‌پیمایند و باید گردونه را در پیمودن این مسیر یاری دهند.

فیلسوفان سیاسی آمریکا بر مجموع نظام سیاسی و رابطه‌های داخلی و خارجی کشور خود نامی بسیار گویا و بیان کننده داده‌اند. آنان این مجموعه را «چماق و شلغم» نامیده‌اند. و این نام حکایت از آن دارد که سیاست کلی آمریکا در یکی از دست‌های خود «چماق» و در دست دیگر «شلغم» گرفته است و در رویارویی با انسانها و کشورهای و گروهها، نخست «شلغم» را تعارف می‌کنند. تا بدینوسیله، یعنی با دادن چیزی به ناچیزی «شلغم»، مخاطب خود را به دام آورند و اگر مخاطب آنها از پذیرفتن «شلغم» خودداری کرد و به دام نیامد، دست دیگر را که «چماق» دارد به هوا می‌برند و در صورت لزوم فرود می‌آورند. تا مخاطب خود را با ضربه چماق از پا در افکنند و سپس به دام کشند.

جانسون رئیس جمهور دمکرات آمریکا به هنگام گسترش دادن هجوم به ویتنام، نطق مفصلی ایراد کرد و در این نطق ابتدا پیشنهاد کرد که یک میلیارد دلار به ویتنام بپردازد تا به اطاعت از آمریکا گردن نهدن و اضافه کرد چنانچه این «هدیه» را نپذیرند، چماق را فرود خواهد آورد!

در اجرای سیاست «چماق و شلغم» هردو حزب جمهوریخواه و دمکرات به یکسان دست اندر کارند. هر کدام از این حزبها گاهی نقش ارمغان کننده «شلغم» و زمانی نقش فرو کوبنده «چماق» را ایفاء می‌کنند. این دو حزب با یکدیگر تفاوت بنیادی ندارند و به اقتضای رویدادها و حادثه‌ها زمانی این و گاهی آن نقش را بازی می‌کنند. اینک ریگان در نقش دست «چماق» دار فراز آمده و می‌خواهد با ترسانیدن ملتها مسیر گردونه امپریالیسم آمریکا را از هر مانع رها دارد. اما، آنچه در جهان ملتها می‌گذرد، بی‌گمان بر آرزوهای او مهر بطلان خواهد زد و او را هم چون کارتر با چشم گریان از کاخ سفید به یکی از کوچه‌های سیاه تاریخ پرتاب خواهد کرد.

شهادت ستوان دوم عنایت الله اکبرزاده را که در نبرد میهنی در جبهه خرمشهر دلاورانه در دفاع از خاک میهن تا آخرین قطره‌ی خون خود را نثار استقلال ایران نمود به هم‌رزم بیات تسلیت می‌گوید.

## دبیرخانه حزب ملت ایران

هم‌زمان حسین و مرصی دادرسی‌فر، اندوه بزرگتان را صمیمانه تسلیت می‌گوید.

دبیرخانه سازمان شهرستان تهران حزب ملت ایران

# اسکان ناگزیری

## طرح ریزی برای کمک به هم میهنان جنگ زده

جنگ تحمیلی عراق استعمار ساخته، با ایران انقلابی ویرانیا و نابسامانی‌هایی را بسیار آورده و خواهد آورد، بسیاری از هم میهنان بلا کشیده مابقی خانمان شده‌اند، آنها که دامنه جنگ به زیستگاهشان کشیده شده یا خانه‌هایشان با فرو افتادن موشک‌ها و بمب‌های روسی ارتش مزدور عراق، ویران شده است، باید بی‌درنگ بسیاری آنان شتافت.

فراموش نباید کرد که زخمها و گرفتاریهای جنگ، در پایان آن بیشتر رخ می‌نمایند و از یاد نباید برد که زمستان در پیش است و هم میهنان آسیب دیده نیاز به کمک دارند اکنون چند واقعیت روبروی ماست:

طبیعی است که بهنگام هجوم بیگانه مردم به دفاع از سرزمین خود برخیزند، هم میهنان مسادر غرب و جنوب سرزمینمان نیز چنین کردند، و چه دلاورانه حماسه‌ها آفریدند و در دفاع از مرزهای ایران آنچنان بادشمن برانگیخته استعمار به نبرد برخاستند که جهانیان باردیگر ایمان ایرانی و میهن خواهی ایرانی را خستو شدند.

این نیز طبیعی است که چون جبهه جنگ بشهرها کشیده شود و خانه‌ها ویران گردند، زنان، کودکان، سالمندان و بیماران را باید به پناهگاهها کشاند و بدانجا از شهرها برخاست ساختن پناهگاههای شهری در هنگامه جنگ نه کاری است آسان و نه میتوان در اندازه‌هایی که همه ساکنان شهر رادر خود جای دهد بنیاد کرد.

باید پیش از وقوع واقعه چاراندیشی میشد ایدریغ که نظام سلطنتی وابسته به بیگانه همه امکانات سازندگی ملت را بربز باد داد و دوران بیست و دو ماهه پس از انقلاب نیز کاربردستان ندانم کاربکارهای ضروری‌تر نیاندیشیدند تسایه رسد به اینکار نتیجه آنکه شهرها پناهگاه و جای امن ندارند و هم اکنون هزاران تن هم میهن بی‌خانمان شده بشهرهای دیگر تاروستاها پناه آورده‌اند پناه خبهرهای رسیده از خوزستان هزاران تن از هم میهنان مسادر نخلستانهای پیرامون خرمشهر و آبادان بسر میبرند. راه حل‌هایی که تاکنون پیشنهاد شده‌اند، نه چاره سازند، نه عملی‌اند و نه باروحیه هم دلی و هم یاری ایرانیان، سازگار.

برای نمونه، برخی از ندانم کاران گروه انحصارگر وابسته برخلاف ظاهر و ادعایشان بر مردم شهرها

خوانده‌اند که: زنان و کودکان شهرهای ویران شده را، پناه ندهید، غذا ندهید، دانش‌آموزان را در آموزشگاه‌ها نام‌نویسی نکنید، پرسیدنی است که آیا چنین نغمه‌های شومی را

سردادن با کدام میزان اخلاقی و انسانی، میخواند؟ آیا با ساخت جامعه ایرانی سازگار است؟ آیا اینها شدنی است؟ هرگز هرگز یزبان برخی کسانیکه چنین توصیه‌های شومی میکنند: «حاشا و کلا»

با آنچه که در بالا آمد در هنگامه این نبرد میهنی و این جنگ میان حق و باطل برای اسکان دهی آواره شدگان طرح «اسکان ناگزیری» را باید بکار بست.

در این اسکان دهی نباید فعالیت‌های سازندگی و روابط اجتماعی و فرهنگی اسکان و بافت کردارهای اسکان یابندگان، نادیده گرفته شود.

«اسکان ناگزیری» نیاز بیک برنامه جامع سرتاسری و در رابطه با همه هستی ملی دارد و برای تهیه و اجرای چنین طرحی شایسته است که:

برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان و مهندسان سازنده کشور را بجهاد سترگ فراخواند، ضرورت و فوریت طرح «اسکان ناگزیری» را یاد آور شد تا در برخورد با بعدهای گسترده آن شگفت زده نگردند و به گم‌شده‌های سانی مانتالیزم و فرمالیزم دچار نشوند.

«اسکان ناگزیری» به بنیاد نهادن واحدهای مسکونی محدود و منحصر نمیشود، بلکه خدمات رفاهی، بهداشت، پرورش و آموزش، ایجاد کار و حفظ بافت اجتماعی حفظ محیط زیست بی‌درنگ همراه آن طرح میگردد.

شرایط اقلیمی را نباید نادیده گرفت، باید توجه کرد این اسکان دهی در کدام بخش ایران بزرگ و با چه ویژگیهای جغرافیای سیاسی انجام میشود.

بیاری استادان و مهندسان سازنده، امکان‌های منطقه را از نظر مصالح ساختمانی و استعدادها و تجربه‌های تاریخی مردم آن سازمان در آبادانی، بازشناسی و امکان استفاده از آنها را بررسی کرد.

همه سازندگان و شرکتهای ساختمانی را با تمام گنجایش بکار فراخواند و به آنها یاری داد و بسیاری از مقررات دستوپاگیر را از سر راهشان برداشت و فرصت داد تا دست‌آورد سالها تجربه و آزمون را بکار گیرند و خلاقیت خود را نمایان سازند.

در گزینش محل اسکان دهی میتوان به روستاهای پراکنده در گسترده میهنان روی آورد، بیشتر روستاها که در روزگار گذشته بخصوص پس از اصلاحهای ادعائی از ششم بهمن ۱۳۴۱ بیش از پیش رو بنا بودی گزاردند و هستی ملی در روستاها آسیب فراوان یافت.

کار «اسکان ناگزیری» را میتوان با بازسازی سریع روستاها همراه کرد.

# آوارگان شهرهای جنگ زده

مردم دلاور ایران زمین روبرو شد رزمندگانی که شمارشان ایران وطن ماست، خاکش کفن ماست در همه جبهه‌ها با پیکر خویش سدی آهنین پدید آوردند که بی‌حیرت تحلیل گران و کارشناسان جهان گردید. سبب گردیدند خواب صدام تکریتی و اربابانش که میپنداشتند با توطئه‌های «مدار گزاران» و

## نامه‌های رسیده

متأسفانه به هنگام بازگشت متوجه شدم که در محل ستاد امداد اهواز که وابسته به هلال احمر میباشد و باید بدور از هر نوع فعالیت سیاسی باشد با سوءاستفاده از فرمایش‌های یکتا رهبر انقلاب امام خمینی که در زمان دیگر ونسبت به مورد خاصی بیان شده بود شعارهایی مانند «ما هر چه بدبختی میکشیم از همین ملی‌هاست» و «ملی‌گرایی مخالف اسلام است» نصب شده بود. شما خود یک زمان ادعای ملی بودن داشتید و بی‌شک قبول دارید در زمان حاضر بیشتر از آنکه بدبختیهای ما ناشی از «ملیون» باشد. در اثر انحصارطلبی و سوءاستفاده‌هاست که صدام این مزدور امپریالیستها بخود اجازه داده که تا این حد جسارت و جنایت نماید، لذا از شما میخواهم که هر چه زودتر دستور فرمائید. از این اقدامات نفرقا فکانه در زمانی که تقویت روحیه ملی در جنگ میهنی بخاطر استقلال و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و اجرای دستورهای یکتا رهبر انقلاب نهایت ضرورت ر دارد جلوگیری بعمل آید.

مراکز هر محل باید در خود آن محل مستقر باشد برای مثال استقرار مسئولین منطقه آبادان در ماهشهر خود موجب تضعیف روحیه است. در پایان جا دارد نهایت حق‌شناسی و قدردانی خود را از کار بدستان محلی که در سخت‌ترین شرایط و خطرناکترین لحظات به انجام وظایف مشغولند بخصوص جناب آقای دکتر عابدی در بیمارستان امدادگران آبادان که به حق قهرمانانه و در نهایت کوشش به خدمت شبانه‌روزی مشغولند بیان نمایم و تاکید کنم که بیان موارد فوق و پیشنهادات ارائه شده دلیل کم بهاء دادن و ندیده گرفتن خدمات ارزنده درمانی همکاران هلال احمر دانشگاه و وزارت بهداشتی و بهزیستی و داوطلبان در منطقه نبوده و تنها بخاطر بهتر شدن نتیجه کار میباشد. با آرزوی پیروزی بیشتر برای شما و همکارانتان و سعادت ملت ایران.

## در حاشیه جنگ ایران عراق

طارق عزیز، نماینده ویژه صدام حسین، که برای بار دوم پس از جنگ عراق با ایران برای مذاکره با زیستکار دستن به فرانسه رفته بود، از پاریس به اردن پرواز کرد. خبر گزاریهایی بین‌المللی و روزنامه جمهوری چاپ بغداد، گزارش دادند که وزیر نفت ر بوده شده ایران به خونریزی شدید دچار شده و جانش در خطر است.

در همین رابطه دولت جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مزدوران بعث عراق وزیر نفت ایران را تاحد مرگ شکنجه داده‌اند.

صدام حسین در پیام تبریکی که بمناسبت شصتوسومین سالگرد انقلاب اکتبر به برژنف مخابره کرد نوشت: «ما مایلم روابط دوستانه و همکاریهای خود را، طبق قواعد و قوانینی که پیمان دوستی و همکاری بین دو کشور ریشه گرفته، ادامه دهیم.»

حافظ اسد گفت: «جنگی که هم‌اکنون در مرز ایران و عراق جریان دارد، یکی از توطئه‌های امپریالیسم علیه آرمان ملت عرب است.»

با انهدام کامل دوسکوی نفتی عراق توسط رزمندگان نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران، عراق دیگر قادر به صدور نفت از طریق خلیج فارس نیست.

رسانه‌های گروهی سوریه بار دیگر شدیداً به صدام حسین و رژیم بعث عراق حمله کردند.

بنی‌صدر گفت: «ما نه از آمریکا، نه روسیه و نه جایی دیگر اسلحه نمیگیریم.»

بنا به گزارش خبرنگار آرمان ملت از ماهشهر تکاوران رزمنده با حمایت توپخانه، مزدوران عراقی را بیست کیلومتر به عقب راندند. این گزارش همچنین حاکی است که دشمن زیر آتش نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده اهواز خرمشهر چهل کیلومتر عقب نشینی کرده است.

بدینسان است که: این جنگ دل‌آزار به جهاد برای ادامه هستی ملی بدل خواهد شد. بدینسان است که: بر روی ویرانی‌های جنگ، ایرانی آباد، پی‌افکنده خواهد شد، چنین باد

# سرنگون باد حکومت‌نژاد گرای بعث عراق



## گرامی باد، خاطره پر شکوه سردار شهید نهضت ملی ایران دکتر حسین فاطمی

به نقل از اتحاد بزرگ

دکتر حسین فاطمی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شهر کوچک نائین و در خانواده روحانی چشم به جهان گشود. پدرش آیت‌الله سید علی محمد سیف‌العلماء و مادرش دختر حجت‌الاسلام خادم بود، او در چنان فضای روحانی رشد نمود و تحصیلات قدیم را نزد پدر و دیگر افراد خانواده فرا گرفت و چون سیزده ساله شد به همراه برادر بزرگش به اصفهان رفت و در دبیرستانهای اقدسیه و صارمیه تحصیل خود را ادامه داد و دیپلم ادبی گرفت. سپس راهی تهران شد و در تهران همگام تحصیل دانش به نشر مقاله‌های میهنی و سیاسی در مطبوعات آنروز همت گماشت و سرانجام در سال ۱۳۲۲ در انتشار روزنامه باختر که صاحب امتیاز آن برادر بزرگش بود شرکت کرد.

مبارزات قلمی فاطمی از سال ۱۳۲۳ شدت یافت و هنگامیکه روسها تقاضای امتیاز نفت شمال را کردند «برای آقای کافتارادزه ترجمه کنید» عنوان مقاله‌ای جنجالی بود که دکتر فاطمی را به زندان و روزنامه باختر را به توقیف کشانید.

**دنیس رایت کاردار سفارت انگلیس در  
خاطرات خود نوشته است که «اعدام  
وزیر خارجه مصدق در حقیقت به او  
آرامش داده است. زیرا دیگر کسی  
جرات نخواهد کرد چنین خشم آلود  
پنجه به چهره سیاست انگلستان بزند**

پس از آزادی در توطئه جدائی آذربایجان مقاله دیگری زیر عنوان «آقای سادچیک اینچا از بیکستان نیست» انتشار داد و بار دیگر با تقاضای سفیر شوروی درهای زندان بروی او گشوده شد.

نگاهی به سلسله مقاله‌های دکتر فاطمی در سال‌های سیاه ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ پیرامون نفت و آذربایجان گویای درک صحیح و بینش میهن پرستانه این روزنامه نگار شجاع از حوادث آنروز ایران است.

در این زمان برای ادامه تحصیل به اروپا رفت ولی از آنجا هم مقاله‌های شورانگیزی برای روزنامه می‌فرستاد. با تکیه به اندوخته تجربه‌های گذشته و چهره‌های نو و تصمیمی خلل ناپذیر به ایران بازگشت و با انتشار «باختر امروز» در نیمه اول سال ۱۳۲۸ بیش از پیش کمر به خدمت هم‌میهنان بلارزه خود بست.

در نیمه دوم سال ۱۳۲۸ جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق تشکیل شد و دکتر حسین فاطمی به آن پیوست و روزنامه باختر امروز ناشر افکار این سازمان بزرگ سیاسی گردید.

روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ دکتر مصدق زمام امور کشور را برعهده گرفت و دکتر فاطمی را به معاونت نخست وزیری برگزید.

روز ششم آبانماه همین سال دکتر فاطمی بهنگام سخنرانی بر مزار روزنامه نگار مبارز محمد مسعود سردبیر روزنامه مرد امروز و تجلیل از آن نویسنده شهید هدف گلوله عبدخدائی عضو گروه فدائیان اسلام قرار گرفت و بسختی آسیب دید.

در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی دکتر فاطمی نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی گردید و از سوی مردم تهران به مجلس راه یافت.

در مهر ماه سال ۱۳۳۱ پست پراهمیت وزارت امور خارجه به او سپرده شد و به دستور پیشوای ملت امر مهم قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس را در روز سی مهر ماه همانسال رهبری کرد و از همین جا کینه تایمز نشینان نسبت به مصدق و این یار وفادارش فزونی گرفت.

دکتر فاطمی در دوره درخشان نخست وزیری دکتر مصدق و سالهای شکوفائی نهضت ملی که می‌توان از سالهای واقعی زندگی ملی و انسانی ایرانیش نامید پیوسته کنار پیشوا بود و حیل‌های وابستگان سیاستهای خارجی برای به انحراف کشیدن او هرگز بجائی نرسید و حتی وعده‌های رنگارنگشان نیز لحظه‌ای تردید در ادامه خدمت به مراد و رهبرش در او پدید

نماند. در کودتای نافرجام نیمه شب بیست و پنجم مرداد وسیله گارد شاهنشاهی بگونه‌ای اهان‌آمیزی بازداشت شد ولی سحر گاهان پیروزمندان به خانه خویش بازگشت و عصر روز بیست و ششم در میتینگ پر شکوهی که بدعوت فراکسیون نهضت ملی و حزبهای هوادار مصدق تشکیل شده بود شرکت کرد و سخنرانی معروف خود را ایراد نمود. صدای رسای او از آن روزهای پراشوب که دشمن سالوس می‌کوشید از تمام نیروی اهریمنی خود برای سقوط دولت ملی کمک گیرد و از اجرای هیچ دسیسه شوم و ایران بر باد دهی هراس نداشت و دستهای آلوده استعمار کهنه و نو، سپاه و سرخ برهم زن نظم زندگی مردم شده بود هنوز در فضای بهارستان باقیست. ولی سرانجام کاروان حرامیان از راه رسید و یغما آغاز گردید.

بیست و هشتم مرداد خونین و غم‌آلود، سپاه اهریمن بر مرزو بوم رها شده ما چون بلایی آسمانی فرود آمد. دولت ملی سقوط کرد و پیشوا و یاران وفادارش به زندان کشیده شدند و میهن ما که می‌رفت تا از سلطه استعمار و استبداد برای همیشه

خدا را شکر می‌کنم که با شهادت در این راه پرافتخار، دین خود را به ملت ستم‌دیده و استعمارزده و غارت شده ایران ادا کرده‌ام  
از واپسین سخنان شهید دکتر فاطمی



رهایی باید بدم دیکتاتوری وابسته به بیگانه افتاد. کوشش گماشتگان کودتا برای دستگیری دکتر فاطمی وزیر امور خارجه مصدق بجائی نرسید و بر غم جایزه کلانی که برای یابنده او از سوی حکومت کودتا اعلان شده بود، ماهها در خانه مردم عادی این شهر بحالت مخفی بسر برد.

روز ششم اسفند ماه ۱۳۳۲ سرگرد مولوی مامور اجرائیات فرمانداری نظامی دکتر فاطمی را که بسختی بیمار بود دستگیر نمود و مورد عتاب سپهبد علوی مقدم رئیس شهربانی قرار گرفت زیرا که محاکمه و محکومیت او در دسری تازه برای کودتاگران بود، حال آنکه شهادت بهنگام دستگیری می‌توانست ماموری را معذور بدارد!! بهمین دلیل توطئه‌های برای جان او پیش از محاکمه ریخته شد که با فداکاری خواهر او نافرجام ماند.

دکتر فاطمی نه ماه در شرایط سخت و توانفرسای زندان بسر برد و در تمامی آن دوران سپاه بر غم جسم بیمار و دردهای بیرون از تاب و توان، روحیه‌ای قوی و تسلیم ناپذیر داشت.

پیوسته از نهضت ملی و پیشوای بزرگ آن با احترام یاد می‌کرد و شهادت را بجان در این راه مقدس گرامی می‌داشت، سرانجام محاکمات فرمایشی در دادگاههای در بسته نظامی و زیر سایه سرنیزه آغاز گردید. قلم جادویی فاطمی برای آخرین بار بیاری او آمد و دفاعیات او را به ادعای نامهای علیه کودتاگران بدل کرد. راد مردانی که آنروزهای سپاه پنجه در پنجه دیو استبداد افکنده و زندان و شکنجه و مرگ در برابر ایمان تزلزل ناپذیرشان ناچیز و زبون گردیده بود او را، آن دلاور را که مرگ را بر خیانت به نهضت ملی و پیشوای بزرگ آن ترجیح میداد بیاد می‌آوردند.

بیاد می‌آوردند او را که در آخرین روزها از تمامی رمق زندگی مدد می‌گرفت تا فریاد بر آورد:

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد.

در بیم ز صاحبان دپهیم نشد.

ای جان بقدای آنکه پیش دشمن.

تسلیم نمود جان و تسلیم نشد.

و سرانجام رسید روز موعود شهادت.

در تاریک روشن روز نوزدهم آبانماه ۱۳۳۳ او را که از تب می‌سوخت و توان با پای خود بمیدان شهادت رفتن را نداشت بر روی برانکادی نهادند و به قتلگاه بردند.

فریاد رسای آن یار وفادار مصدق که عاشقانه ایران را می‌ستود و دشمنان این سرزمین را کینه توزانه خشم میورزید نفیر گلوله‌های جوخه اعدام برای همیشه در گلو خاموش ساخت.

ولی چهره آن روحانی زاده صمیمی، آن روزنامه نگار شجاع، آن سرباز نهضت ملی، آن یار تسخیر ناپذیر پیشوا جاودانه بر سینه تاریخ ایران نقش بست و تربتش زیارت‌تگه زندان آزاده‌ی این مرز و بوم گردید.

گل‌های همیشه پریشان مزارش و حق گویانی که مدد از تربت پاکش می‌گیرند گواه این مدعاست.

## برگ‌هایی از تاریخ مبارزات ملی

در آن اتاق که از ریا و تظاهر فرسنگ‌ها فاصله داشت و بوی خوب دوستی و عطر دلنشین پیکرنگی فضای ساده‌ی آنرا پر

کرده بود روبروی آن «همیشه» مهربان که می‌توانی هردلتنگی را بی‌هیچ رودربایستی با او در میان گذاری نشستم.

با دست‌های استخوانی برایم جای ریخت و من چون مریدی و مخلصی سراپا ایمان، پای تا سرگوش شدم تا بشنوم خاطرات زندان آیتاله زنجانی را: آن سید بزرگوار روبروی سلول من زندانی بود و من این موضوع را از زندانبانی که لباس و هیبت من تحت تاثیرش قرار داده بود شنیدم و از او دوستانه خواستم بیشتر مراقبش باشد و در این کار تنها به خدا ببندیشد و بس هنوز چند روزی نگذشته بود که زندانبان رابط میان من و دکتر فاطمی شد روی کاغذ سیگار برایش چند خطی نوشتم و از حالش و موقعیت پرونده‌اش جوینا شدم و او با خط لرزانی که نشان از درد کشیدن و بیماری و ضعف فراوان داشت برایم چنین نوشت:

قربانت شوم از الطاف پدران  
حضرت تعالی هیچ موردی برای بکار بردن الفاظ و کلمات معمولی نمی‌بینم زیرا از اینهمه بذل توجه و عنایت بهیچ زبانی نمی‌شود تشکر کرد. — بهر صورت فعالیت‌های شبانه‌روزی

«آقا» بالاخره نتیجه بخشید و آنها را که می‌خواستند توی این شلوغی حسابی هم تصفیه کرده باشند ناکام ساخت و گر نه که آنها تمام مقدمات کارشان حاضر بود و «آزموده» صریحاً دادگاه

گفت که چنین و چنان خواهد کرد ولی چه پرونده‌ای به دیوان کشور می‌رود، ننگ تاریخ، ننگ قضاوت و بسیار خواندنی و تماشاغی، اگر دشمن‌ترین قضات آنجا بنشینند به یک محاکمه‌ی مطبوعاتی که طبق قانون مطبوعات از ششماه تا دو سال مجازات دارد، اگر همه‌ی دلایل ما را بچیزی نخرند و بر فرض که بنده وزیر نباشم و سیاسی هم نباشم که به زلف یار بر بخورد، هیچ کار دیگر نخواهد توانست کرد.»

دکتر فاطمی در نامه‌ی کوتاه دیگری چنین می‌نویسد «قربانت شوم، معذورم خواهید داشت از اینکه وقت و بی‌وقت مزاحم اوقاتتان می‌شوم و هر مشکلی پیش آید فوراً دست توسل به داسان آن پسر روحانی دراز می‌کنم.

بنده از مدتی به اینطرف احساس می‌کردم که ممکن است روز آخر در بن‌بست ما را قرار دهند و بالاخره هم معلوم شد که حدس بخطا نبوده است بهر حال در برابر وضعیت موجود اگر بتوان اقدامی کرد که یک نیمه شب حکم را اجرا نکنند! باز جای امیدی باقی است» نهمین نامه فاطمی هر دلاوری را در برابر آنهمه شجاعت دچار شگفتی می‌کند:

فاطمی در این نامه چنین می‌نویسد «این پرده رسوایی آخر برای تکمیل صحنه چاقو زدن جلوی نظمی لازم بود و به نظرم خواست خدا اینستکه روزبروز رسواترشان کند.

بهر حال وضعیت را باهرجان کندی هست (البته از نظر مزاج) می‌گذرانم و لسی به جسد بزرگوارمان قسم که اگر خیال

کنید بقدر سر سوزن این لوطی بسازیم در اراده و نزوحیه‌ی مخلصان تاثیر داشته باشد.

اگر حمل بر خودستایی نشود عرض کنم شیر را هر چند در زنجیر نگهدارند ممکن نیست گریه شود. از این جهت

خیالتان راحت باشد هر حکمی می‌خواهند بدهند، آنهم بی‌اثر است. تازورشان برسد همین آش

است و همین کاسه، روزی که زورشان شکست یک نانیه هم نمی‌توانند ما را در بند نگهدارند ولو اینکه صد سال حبس، حکم

صادر کرده باشند. تمنی دارم همین معنی را به کسان من ابلاغ فرمائید که بسپه‌ده ناراحت نباشند...

فراموش شدنی نیست که بذل عطف و توجهات معنوی و دعای خیر و مؤثر جنابعالی گذشته از زحمات دیگر چقدر در

بهبود حال و تقویت روحی و مزاجی ارادتمند مؤثر بوده است. حقیقتاً همانطور که تشخیص داده‌اید این «قلعه بیگی» یک پارچه شرف و مردانگی است و من چطور می‌توانم نعمت‌هایی را

که در این زندان که آنقدر همه از دستش می‌نالند فراموش کنم. افتخار معرفی حضوری به جنابعالی و آشنایی با همین تیمسار عزیز که شاید در نوع خودش کم نظیر است... به

خواهرم بفرمائید ابتدا متأثر نباشد برعکس افتخار کند که برادرش واسطه و دلال فروش وطن نشده و به احساسات و عقاید جامعه سر تعظیم و تکریم فرود آورده. مردم این کشور که

شرف دارند برادر او بشمار می‌آیند ولی در غیر اینصورت یک برادری داشت که از خجالت هیچ جا نمی‌توانست خود را معرفی کند.»

پس از صدور حکم اعدام دکتر سید حسین فاطمی در داخل و خارج از ایران کوشش‌هایی برای جلوگیری از این فاجعه انجام گرفت، اما صبح روز هجدهم

آبانماه ۱۳۳۳ سردنیس رایت کاردار سفارت انگلیس باسپهبد عبدالله هدایت رئیس وقت ستاد ارتش ملاقات کرد و شادمانه به سفارتخانه بازگشت و به خانه شماره ده داوینینگ استریست بارمز اعلام نمود که سرتیپ آزموده و سرتیپ بختیار راقانع کرده است که اعدام دکتر فاطمی ضروری است و بدینسان انتقام قطع رابطه با انگلستان را از وزیر خارجه دکتر مصدق گرفت.

دنیس رایت در خاطرات خود نوشته است که اعدام وزیر خارجه مصدق در حقیقت به او آرامش داده است زیرا دیگر کسی جرات نخواهد کرد چنین خشم آلود پنجه به چهره سیاست انگلستان بزند.



## نامه‌های رسیده

دکتر بهروز برومند، سرپرست دانشگاه علوم پزشکی در بازگشت از جبهه‌های جنگ جنوب، رونوشت گزارش خود را به دکتر بهزاد نیا، رئیس جمعیت که روشنگر بسیاری نابسامانیها و سهل‌انگاریها و انحصارگریمهاست برای نامه آرمان ملت فرستاده که با پوشش از دیرکرد، از نظر خوانندگان میگذرد.

با ارسال گواهی انجام خدمت در نواحی جنوب، ضمن سیاسی بسیار از اینکه با در اختیار گذاردن وسائل و امکانات این فرصت را برای داوطلبین فراهم میفرمائید که جزئی از وظایف و مسئولیت خود را بعنوان یک شهروند در راه استقلال ایران و حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران در جنگ بامردوران عراقی امپریالیستها عمل نمایند، تذکر نکاتی چند که حاصل مشاهداتم در طی مدت خدمت میباشد ضروری است. (۱) بیمارستانهای نواحی جنگ زده فعالیت‌های عادی خود را کاملاً متوقف نموده‌اند و اینکار سبب شده است که از نیروهای موجود استفاده مطلوب بعمل نیاید.

(۲) باید توجه داشت که در هنگام جنگ حتی برای اضطراب افراد ناحیه جنگ زده و در حال جنگ نیز باید خدمات موجود باشد. در مدت یک هفته‌ای که در بیمارستان سینا واقع در منطقه کوه عبدالله اهو از بودم چندین زایمان حتی مراجعه نمودند که برای یکی از آنها که شکم اول بود و با پامیامد و احتمال سزارین میرفت جایی رادراهو از آماده نیافتم و خوشبختانه زایمان وسیله داوطلبی در همان بیمارستان سینا که تجهیزات زنان و زایمان نداشت انجام شد. اگر قرار باشد خدمات تنها برای صدمات ناشی از جنگ یا پارهای فوریت‌های پزشکی باشد، موجبات از هم پاشیده شدن مقاومت مردم زودتر فراهم گشته و منطقه را ترک خواهند نمود، در نتیجه امکان مقاومت‌های مردم و جنگ خانه به خانه بدانگونه که حماسه آفرینان خونین شهر ارائه نمودند کم میگردد. از اینرو اعتقاد دارم که مؤسسات درمانی مخصوص در نواحی مانند اهواز باید آخرین مراکز باشند که فعالیت عادی خود را متوقف می‌نمایند و باید مجدداً کاملاً احیاء و فعال شوند. اگر هم قرار باشد که میزان فعالیت کم شود این کم شدن باید به نسبت کم شدن جمعیت شهر باشد. فراموش نشود که بسیار از هموطنان خوزستانی ما حتی نتوانستند همسر و فرزند خود را از آبادان خارج سازند زیرا بدلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی امکان آنها نداشتند و یا اگر از آبادان خارج شده‌اند تازه در حوالی اهواز مسکن نموده‌اند و این خود موجب شیوع بیماری امراض واگیردار در نواحی اهواز شد.

مراکز مانند هتل نادری بهیچ روی از بیمارستان شماره ۲ گلستان در اهواز کمتر آسیب‌پذیر نیستند و تنها بدلیل نامناسب بودن محل امکان ارائه خدمات درمانی در آن بسیار محدود است و بهر شکل بیش از آنکه وضعیت محله‌ای مانند هتل نادری شباهت به بیمارستان داشته باشد، انسان را بیاد یک ضیافت نابسامان میاندازد. لذا مؤسساتی مانند هتل نادری باید تعطیل و بیمارستان دانشگاهی گلستان شماره ۲ و سایر مؤسسات وابسته به وزارت بهداشتی و بهزیستی و هلال‌احمر که اکنون همگی زیر نظر ستاد امداد قرار دارند فعال گردند.

نهایتاً از ایجاد انبار مهمات در نزدیکی مراکز درمانی و بهداشتی یا داخل آن خودداری شود تا دست کم در اثر گزارش عوامل ستون پنجم به بیمارستانها آسیبی وارد نیاید. در اثر سیاست شتابزدگی در تخلیه هر چه سریعتر بیماراران زخمی و حتی پارهای موارد بیماراران عادی:

الف: خدمات درمانی اولیه به نحو مطلوب انجام نمیگردد که هم به آلام زخمی‌ها افزوده و در پارهای موارد نیز فرصت کم نمودن عوارض ناشی از جنگ را از دست میبرد، برای مثال ممکنست در اثر شتابزدگی برای انتقال پارگی یکی از شریان‌های بزرگ بموقع اصلاح نشده منجر به قطع عضو گردد. ب- با انتقال‌های غیر ضروری در مواردی که ۸ ساعت مراقبت جهت بهبود و مرخص شدن کافی می‌باشد، در این شرایط کمبود امکانات رفاهی و حمل و نقل در جهت اصراف و استفاده نادرست بعمل می‌آید و از سوی دیگر موجب سرگردانی و ابستگان انتقال یافتگان در شهرهای مختلف میگردد. این نقیصه نیز با فعال گشتن نسبی بیمارستانهای منطقه در جهت ارائه خدمات درمانی در سطح گسترده‌تر بر طرف میگردد.

ج- بطور قطع در شرایط فعلی کمبود در بیمارستانهای جنوبی کشور در سطح جراح عمومی، جراح قفسه سینه، جراح مغز و متخصص بیهوشی میباشد. لذا پیشنهاد میگردد در اعزام سایر نیروهای داوطلب دقت و سخت‌گیری بیشتری بعمل آید تا هم از ازدحام بیمورد کاسته شده و هم از امکانات رفاهی و حمل و نقل استفاده غیر ضروری بعمل نیاید.

د- برای حداکثر بهره‌دهی و کاهش استفاده از وسائل محدود نقلیه از داوطلبی استفاده بعمل آید که حاضر باشند

## حماسه یک زن ایرانی

هر گوشه از نبرد میهنی، حماسه‌ای است که بر دل تاریخ می‌نشیند و ستاره‌ای است که بر تارک ایران میدرخشد. از جنگ برگشتگان گاه چنان افسوس دل‌وریه‌های رزمندگان و جنگ زدگان هستند که روزها و روزها، خستگی ناپذیر و بیخود از خویشتن به بازگویی خاطرات می‌پردازند از شمار آن خاطره‌های از یاد نرفته‌ای افسانه‌ی شیر زنی است که با سوی سپید و دستهای لرزان درسی بزرگی از شهامت و ایثار به دشمن داد.

یهنگام هجوم مزدوران عراقی بخاک مقدس میهن وسلطه‌ی کوتاه مدت به بخشی از آن، پیر زنی که زندگی را از راه کنار تنور نشستن و پختن نان میگذراند، مجبور به تهیه نان برای دشمن میشود. پیر زن به امید آسیب رساندن به بخشی از نیروی اهریمنی دشمن، با رغبت این کار را میپذیرد.

شب هنگام تمامی سربازانی که از دست پخت پیرزن، تنور شکم بر تافته بودند به دیار نیستی رهسپار میگردند و صبحگاه روشن میشود که سم کاری بوده است. پیر زن به جوخه‌ی اعدام سپرده میشود و او لیخند بر لب مرگی چنان افسانه‌ای و بزرگ را استقبال میکند، شادمان از اینکه با نثار جان خود، هفتاد دشمن را بخاک هلاک افکنده است.

سلام به روان تابناک چنین گردانی که بی هیاهو و به حکم دل، راه وظیفه را میبیند و میهن را پاس میدارند، بی آنکه دوربین تصویرشان را منعکس کند و بار منتشان را بر دوشهای ناتوان ما بگذارد.

## گوشه‌هایی از آخرین مصاحبه رئیس جمهور

- به امام گفتم..... که من نمیتوانم در دو جبهه بجنگم. هم در جبهه با دشمن و هم در جبهه روانی سیاسی که عده‌ای در تهران گشوده‌اند. آنها با اینکه سرخ این جنگ را در دست دارند هم چیز را میدانند و آگاهانه این کار را به راه انداخته‌اند و به نظر من برای آنها پیروزی ما در جنگ ناگوارتر است تا برای صدام حسین!

- من روز اول هم میتوانستم بگویم که من چندین و چند بار هشدار دادم، روز هفده شهریور هم این هشدار را به همه ملت دادم (بنا بر این) مشکلات این جنگ را هم نمیپذیرم و آنهایی که این مقدمات را فراهم کرده‌اند بروند و دنبال‌اش را بگیرند. اما پای موقعیت کشور در میان بود و من رتقم و مسئولیت را قبول کردم و دارم تدارک میگیرم چیزهایی را که در گذشته خود ما خراب کردیم، خود کسانی که امروز جنگ سیاسی روانی براه انداخته‌اند این خرابی‌ها را ببار آورده‌اند، داریم آنها را تدارک میگیریم و اطمینان بر پیروزی هم داریم. اگر بگذارند و جنگ روانی سیاسی براه نیاندازند، پیروز هم می‌شویم.

- من نمیدانم که این آقایان در مصاحبه و گفتگویشان در تلویزیون چه گفته‌اند ولی بهر حال این را میدانم که در مسائل مربوط به جنگ، دادستان مقام تشخیص نیست. باید به او اعلام جرم بشود و او باید و به جرم رسیدگی کند و الا عملاً بقیه قوای کشور تعطیل میشوند و یک مقام بیشتر باقی نمیماند و آنهم مقام دادستان انقلاب تهران است که تشخیص بدهد و خودش هم قوه اجرائی داشته باشد و اجرا کند و این دخالت آشکار این آقایان است در کاری که به آنها مربوط نیست.

اینطور که دارد پیش میرود میشود گفت که بنا بر این است که سانسور رئیس جمهوری را کامل بکنند. رادیو تلویزیون را بصورتی در آورده‌اند که من گفتم تا وقتی که آنجا اصلاح نشود از رادیو تلویزیون صحبت نخواهم کرد..... حالا فقط یک روزنامه مانده که من در آنجا کارنامه روز منتشر میکنم، آنهم خیال میکنم با این مقدماتیکه من میبینم بزودی آن را هم تعطیل خواهند کرد تا سانسور ما کامل بشود!

- من خودم در نامه‌ای به امام نوشتم که خیال نمیکنم هیچ رئیس جمهوری به مظلومیت من بوده است. به لحاظ اینکه تمام مسولیت روی دوش من است (ولی) حتی امکان اینکه آزادانه حرفم را با مردم بزنم، دارند از من میگیرند و شب و روز هم بر ضد من تبلیغ میکنند و هیچگونه امکانات اساسی هم در اختیار من نیست.

حداقل مدت دو هفته در منطقه جنگی خدمت نمایند. (۷) در اعزام داوطلبین حداکثر دقت و مطالعه بعمل آید تا از موارد سوءاستفاده جلوگیری شود. برای مثال پزشکیاری بجای پزشک یا فرد عادی بجای پرستار اعزام نگردد.

(۸) هنگامیکه به اهواز وارد شدیم ابتداء به ستاد امداد خود را معرفی نمودیم و محل ستاد همانگونه که در ورقه مأموریت هلال‌احمر توصیه شده، نشانی از فعالیت خاص هیچ گروه و فرقه‌ای را نداشت. بقیه در صفحه ششم

## از خبرهای هفته

## گسترش پیکارهای رهائی بخش در عراق

کمیته تبلیغات حزب دموکرات کردستان عراق، خبر میدهد که در بیست و یکم مهرماه پیشمرگان حزب در برخورد با نیروهای رژیم بعثی عراق سه نفر بر نظامی و یک جیب را با سرنشینان آن که بیشتر از شصت تن بودند منهدم کردند.

روز بیست و چهارم مهرماه نیز پیشمرگان به موضع ارتش دشمن در منطقه سنگسر فرمانداری قلعه دزه استان سلیمانیه حمله برده و آنجا رابه آتش کشیدند در این درگیری یک افسر و شش سرباز کشته و نه تن زخمی شدند روز بیست و ششم مهرماه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق با هجوم‌های پی در پی به دشمن در بخش‌های مختلف آسیب‌های فراوان رساندند

گزارش کمیته تبلیغات حزب نشان میدهد که در تنگه‌ی بالند فرمانداری عمادیه استان دهوک چهار سرباز دشمن کشته و پنج تن زخمی شده‌اند.

در کوفی رمش بین شرانش و بازن گیران از فرمانداری زاخو موضع دشمن با هجوم دلیرانه پیشمرگان ویران و شماری از سربازان کشته و زخمی شدند.

در منطقه دوسکی از استان دهوک نیز پیشمرگان پانزده سرباز دشمن رابه هلاکت رساندند. از میان کشته شده‌گان عبدالرضا کریم محسن پلیس گروهیان فرمان ظایف کاظم، مجید خلف حنش شناسائی شدند. در این درگیری صدوسی و هشت گلوله توپ صدو شصت نارنجک دستی پنج قاطر پنجهزار و پانصد فشنگ روسی دودستگاه بیسیم و یک دستگاه تلفن به غنیمت به پیشمرگان رسید.

در روز بیست و هشتم مهرماه پیشمرگان حزب دموکرات با همکاری پیشمرگان نیروهای عراقی به پایگاه ارتش رژیم نژاد گرای بعث عراق در بیبوزیه بخشداري اتروش، استان دهوک حمله کرده و پایگاه رابه تصرف خود درآوردند و شمار بسیاری از افراد دشمن رابه خاک هلاک افکندند که از جمله کشته شده‌گان ستوان عوده کاظم عوفی از هنگ بیست و شش، ستوان محمد عزیز محمد ستوان محمد صالح ابراهیم افسر یارنورالدین ابراهیم سالم علی حسن مرزبان، مبارک گور گیس شمعون سرباز احتیاط، محمد عدل جاسم سرباز احتیاط کارمند فنی همچنین یک سرباز به اسارت پیشمرگان درآمد. در این حمله یکی از پیشمرگان زخمی شد.

در همین روز در نزدیکی ده ماده‌لی از بخشداري سرسنگ استان دهوک در درگیری سختی که میان پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق با نیروهای رژیم بعثی عراق پیش آمد بیست و هشت سرباز کشته و شمار بسیاری زخمی شدند. ستوان یکم علوی نیز جزو کشته شده‌گان عراقی بوده است.

## حکم صادر شده از سوی دادستان کل کشور غیرقانونی است

بیست و نه تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی، به صدور حکم انتصاب در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از سوی دادستان کل کشور اعتراض کردند و این عمل را دخالت قوه قضائیه در قوه‌های دیگر مملکتی و بر خلاف قانون اساسی دانستند.

همچنین در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس یکی از نمایندگان ضمن اعتراض به آقای دادستان کل کشور گفت: «دادستان کل حق تعیین سرپرست برای هیچ اداره یا حتی دستگاه قضائی را ندارد. ایشان باید جواب بیاورند که بچه مستندی این کار را کرده‌اند. یکسال تمام قوانین قضائی-حقوقی زیر پا گذاشته شده و ایشان در خواب تشریف داشتند (که) یکمرتبه و بدون مقدمه می‌آیند در قوه مقننه و قوه اجرائیه دخالت میکنند..... این عمل ایشان با هیچ قانونی تطبیق نمیکند. قدم بقدم، با این وضع که پیش میرود، این قانون اساسی بهمان قانون اساسی گذشته بر میگردد. هر کس باید در حد خود و آن چیزی که به او محول شده است کار کند.»

هفته آینده بمناسبت ایام سوگواری تاسوعا و عاشورا نامه آرمان ملت منتشر خواهد شد.

## آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

خیابان سیه‌دقزنی خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

## درود به رزمندگان دلیر حزب ملت ایران